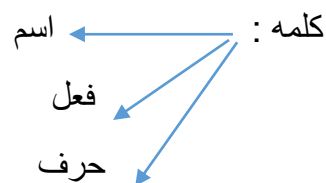


مروری بر پایه هشتم:

انواع کلمه

در هر زبانی، از جمله عربی سه نوع کلمه وجود دارد که به کمک آن جمله ها بیان میشود. این کلمه ها عبارت اند از: 1 اسم، 2 فعل، 3 حرف



اسم از نظر جنس: مذكر (جنس آقا، مرد ، نر ، که بی نشانه است: مثل: کتاب ، قلم)
 مؤنث (جنس ماده ، زن که با نشانه ة می آید: مثل : طالبة ، فاكهة)

*** در بعضی مواقع اسامی هستند که ة ندارند ولی مؤنث میباشند: مثل اسامی خانم ها : مریم ، زینب
 ...

اسم مفرد: در عربی نشانه ای ندارد : مثل: طالب:یک دانش آموز پسر / طالبة : یک دانش آموز دختر

اسم مثنی: که بر دو چیز یا دو شخص دلالت دارد نشانه هایی دارد :

نشانه های مثنی: مذكر = (ان - ین) مثل: رجل ← (رجلان - رجلین)

مؤنث = (تان - تین) مثل: طالبة ← (طالبتان - طالبتین)

اسم جمع : اسمی که بر بیش از دو وبالتر دلالت دارد که دو نوع اسم جمع داریم:

مؤلف: فرناز روستائی

جمع سالم (جمعی که نشانه دارد)

جمع مکسر (جمعی که بی نشانه است و در گوشمان و به صورت سماعی جمع مییاشد)

جمع مکسر (شکسته شده) : برخی از اسم های مذکر و مؤنث به شیوه ای جمع بسته میشوند که در آن شکل مفرد آن تغییر میکند و اصطلاحاً شکسته میشوند که این جمع قاعده خاصی ندارد و باید آن را حفظ کرد .

مثال : حدیقه ← حدائق مسجد ← مساجد صف ← صفوف

اسم های اشاره : اسم های اشاره برای اشاره کردن به یک یا دو یا چند چیز یا شخص گفته میشود

مثل این کتاب آن گل آن دو دانش آموز این چند قلم

در عربی اسم های اشاره

نزدیک (با ه دو چشم شروع میشود) هَذَا - هَذِهِ - هَؤُلَاءِ و....

دور (آخرش با ک می آید) ذَٰلِكَ - تَٰلِكَ - اُولَٰئِكَ

نزدیک ← مفرد ← مذکر (هَذَا = این) مثال: هَذَا قَلَمٌ این قلم

مؤنث (هَذِهِ = این) هَذِهِ طَالِبَةٌ این دانش آموز دختر

نزدیک ← مفرد ← مؤنث (هَذِهِ = این) هَذِهِ طَالِبَةٌ این دانش آموز دختر

مثنی ← مذکر (هَٰذَانِ - هَٰذَيْنِ) هَٰذَانِ قَلَمَانِ : این دو قلم - هَٰذَيْنِ قَلَمَيْنِ : این دو قلم

مثنی ← مؤنث (هَٰتَانِ - هَٰتَيْنِ) هَٰتَانِ طَالِبَتَانِ / هَٰتَيْنِ طَالِبَتَيْنِ : این دو دانش آموز دختر

جمع (هَؤُلَاءِ) هَؤُلَاءِ قَلَمُونَ / هَؤُلَاءِ طَالِبَاتٍ (برای مذکر و مؤنث یک نوع اسم اشاره به

نزدیک وجود دارد .)

مؤلف: فرناز روستائی

- *** اگر اسمی مفرد باشد اسم اشاره آن نیز باید مفرد بیاید ← هذا الكتاب : این کتاب
- *** اگر اسمی مثنی باشد اسم اشاره آن نیز باید مثنی بیاید ← هذانِ کتابانِ : این دو کتاب
- *** اگر اسمی جمع باشد اسم اشاره آن نیز باید جمع بیاید ← هؤلاء الرجلونَ: این مردان

کلمات پرسشی در عربی :

- ما- ماذا (اشیاء) ← (چیست ، چه چیزی؟)
- مَنْ - لِمَنْ (شخص) ← (کیست ، چه کسی؟ برای چه کسی؟)
- هَلْ - أ (در جواب آن نعم، لا میاید) ← (آیا؟)
- أَيْنَ (در جواب آن مکان میاید) ← (کجا؟)
- كَمْ (در جواب آن مقدار میاید) ← (چند؟)
- كَيْفَ (در جواب آن حالت میاید) ← (چگونه - چطور؟)
- *** أَيْنَ : به معنی کجا است و در جواب آن : فوق(بالا) تحت(زیر) یسار(چپ) یمین (راست) جنب (کنار) هُنَا (آنجا) هُنَاكَ (آنجا) عَلَى (بر، بر روی) فِی (در) خَلْفَ (پشت) أَمَامَ (مقابل) میاید .
- أین الكتاب؟ کتاب کجاست ؟ تحت المنضدة (زیر میز است)

- *** هل یا أ به معنای آیا و در جواب آن «نعم» یا «لا» میاید .
- هل كتب علی واجباتک؟ آیا علی یتکالیفش را نوشت؟ نعم ، هُوَ کَتَبَ: بله او نوشت

*** ما ، ماذا (چه چیزی) و در جواب آن معرفی اشیاء میاید

مؤلف: فرناز روستائی

ما هذا؟ آن چیست؟ هذا البيت (آن خانه است)

*** مَنْ (چه کسی) و در جواب آن معرفتی شخص میاید .

من هُوَ ؟ او کیست؟ هُوَ عَلِيٌّ (او علی است)

*** كَيْفَ : به معنای چگونه است و در جواب آن حالت میاید .

كَيْفَ حَالِكٌ ؟ : حالت چطور است؟ أَنَا بَخِيرٌ (من خوب هستم)

*** كَمْ : به معنای چند برای سوال از مقدار که در جواب آن مقدار و عدد میاید .

كَمْ كِتَابٌ هُنَا؟ آنجا چند کتاب است؟ سِتَّةَ (6 عدد)

اعداد (اصلی) :

واحد (1) اثنان (2) ثلاثة (3) أربعة (4) خمسة (5) ستة (6) سبعة (7)
ثمانية (8) تسعة (9) عشرة (10) أحد عشر (11) اثنا عشر (12)

*** مِنْ أَيْنَ؟ اصطلاح است و به معنای از کجا هستی (اهل کجایی)

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ تو اهل کجایی؟ مِنْ شِيرَاز (اهل شیراز هستم)

*** مَتَى : به معنای چه وقت؟ و کی مییاشد

و در پاسخ آن زمان می آید مثل:

اليوم (امروز) - غداً (فردا) - أمسَ (دیروز) - صباح (صبح) - عصر - مساء (عصر)
ليل (شب) - قَبْلَ سَنَتَيْنِ (دو سال قبل) - فِي الشَّهْرِ الْمَاضِي (در ماه گذشته) و.....

*** لِمَاذَا : به معنای برای چه چیزی؟ چرا ؟

و در پاسخ آن } لِأَنَّ (برای اینکه)
لِ (برای)

لِمَاذَا لَا تَكْتُبُ وَاجِبَاتِكُ؟ (چرا تکالیف را ننوشتی؟)
لِأَنَّ لَعِبْتُ (چون بازی کردم)

ضمایر: ضمیر کلمه ایست که جانشین اسم است و از تکرار اسم جلوگیری میکند.

ضمایر به دو دسته کلی متصل (چسبیده) و منفصل (جدا) تقسیم میشوند.

ما (اول شخص جمع)	من (اول شخص مفرد)	ضمایر منفصل در فارسی بدین گونه هستند:
شما (دوم شخص جمع)	تو (دوم شخص مفرد)	
آنها (سوم شخص جمع)	او (سوم شخص مفرد)	

و ضمایر متصل در فارسی: مَ مَان

تَ تَان

شَ شَان

ضمایر در عربی به دو دسته تقسیم میشوند:

1-منفصل (جدا) 2- متصل (چسبیده)

منفصل:

مؤلف: فرناز روستائی

أنا (من)	نحنُ (ما)
تو(أنتَ مذکر)/أنتِ (مونث)	شما دو نفر (أنتما مذکر و مونث) چند نفر(أنتم مذکر) / أنتنَّ (مونث)
او(هُوَ مذکر)/هيَ (مونث)	آنها دو نفر(هُما مذکر و مونث) چند نفر(هُم مذکر) / هُنَّ (مونث))

ضمایر متصل (ضمایر چسبیده) قطعا به اسم، یا به فعل و یا به حرف میچسبند

مَ (ی)	مان (نا)
تَ (کَ مذکر) / تِ (مونث)	تان دو نفر (کُما) (مذکر و مونث) چند نفر (کُم مذکر) / کُنَّ (مونث)
شَ (هَ مذکر) / ها (مونث)	شان دو نفر (هُما) (مذکر و مونث) / چند نفر (هُم مذکر) / هُنَّ (مونث)

مؤلف : فرناز روستائی

فعل:

فعل کلمه ایست برای انجام کار + دخالت زمان

مثل رفت ، دید ، شنید، خورد که در تمامی این افعال کاری انجام شد در یک زمان مشخص که زمان را به سه دسته ی گذشته ، حال، آینده تقسیم میکنیم .

فعل در عربی از یک ریشه سه حرفی و شناسه تشکیل شده است که به ریشه (سه حرف اصلی میگویند) مثال در کلمه یخرج سه حرف اصلی (خ ر ج) ریشه فعل میباشد .

*** برای تشخیص سه حرف اصلی به حروفی توجه میکنیم که بتوان کلمات دیگری از آن حروف ساخت و حروف بارزتر و مشخص تری نسبت بقیه ی حروف هستند .

مثال:

در فعل یخرج (خ ر ج) که سه حرف اصلی است میتوان کلمات هم خانواده مثل خارج، اخراج، مخرج ، خروج، و... با این سه حرف اصلی ساخت .

ضَرَبَ-فَتَحَ-كَتَبَ- نَجَحَ... همگی فعل هستند.

زمان فعل در عربی سه دسته است : ← ماضی (گذشته)

← مضارع (حال)

← مستقبل (آینده)

فعل ماضی

فعلی است که بر زمان گذشته دلالت دارد که در زبان عربی 14 شخص آن را مورد بررسی قرار میدهیم

ساختار فعل ماضی = ریشه (سه حرف اصلی + شناسه)

افعال ماضی در 14 صیغه (شخص) به صورت کلی :

مؤلف: فرناز روستائی

شخص	ضمیر فارسی	ضمیر عربی	فعل ماضی	معنی فارسی
اول شخص مفرد	من	انا	کَتَبْتُ	من نوشتم
دوم شخص مفرد (مذکر)	تو	انتَ	کَتَبْتَ	تو (مذکر نوشتی)
دوم شخص مفرد (مونث)	تو	انتِ	کَتَبْتِ	تو (مونث) نوشتی
سوم شخص مفرد (مذکر)	او	هُوَ	کَتَبَ	او (مذکر) نوشت
سوم شخص مفرد (مونث)	او	هِيَ	کَتَبَتْ	او (مونث) نوشت
اول شخص جمع	ما	نحن	کَتَبْنَا	ما نوشتیم
دوم شخص جمع (مذکر و مونث)	شما (دو نفر)	انْتِما	کَتَبْتِما	شما دو نفر (مذکر و مونث)
دوم شخص جمع (مذکر)	شما (چند نفر)	انْتِمْ	کَتَبْتِمْ	شما چند مذکر نوشتید
دوم شخص جمع (مونث)	شما (چند نفر)	انْتِنَّ	کَتَبْتِنَّ	شما چند مونث نوشتید
سوم شخص جمع (مذکر)	آندو (مذکر)	هُما	کَتَبَا	آندو (مذکر) نوشتند
سوم شخص جمع (مونث)	آندو (مونث)	هُما	کَتَبَتَا	آندو مذکر نوشتند
سوم شخص جمع (مذکر)	آنها (مذکر)	هُم	کَتَبُوا	آنها (مذکر) نوشتند
سوم شخص جمع (مونث)	آنها (مونث)	هُنَّ	کَتَبْنَ	آنها (مذکر) نوشتند

*** منفی کردن فعل ماضی

افعال ماضی به وسیله ما منفی میشود یا به عبارت دیگر منفی کردن فعل ماضی = ما + فعل ماضی

ما + کَتَبَ = فعل ماضی منفی کَتَبَ (نوشت) ما کَتَبَ = ننوشت

ما خَرَجَ = خارج نشد / ما دَهَبَ = نرفت

روزهای هفته (أيامُ الأسبوع)

در عربی نیز روزهای هفته از شنبه آغاز میشود:

مؤلف: فرناز روستائی

السَّبْت، الأَحَد، الإِثْنَيْن، الثُّلَاثَاء، الأَرْبَعَاء، الخَمِيس، الجُمُعَة
شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه

فصلها (الفصول)

الرَّبِيع (بهار) الصَّيْف (تابستان) الخَرِيف (پاییز) زمستان (الشَّتَاء)

رنگها (ألوان)

مانند أسود (سیاه)، أحمر (قرمز)، أخضر (سبز)، أزرق (آبی)، أبيض (سفید)،
أصفر (زرد)

فعل مضارع : زمان حال را نشان میدهد و اکنون اتفاق می افتد.

فعل مضارع = حروف تینا (ت - ی - ن - ا) + ریشه سه حرفی فعل

مثل یفعلُ / یخرجُ / یکتبونَ / و.....

فعل مضارع مانند فعل ماضی در 14 شخص (صیغه) است . که در ذیل به آنها اشاره میکنیم .

اول شخص مفرد = من (أنا) فعل مضارع برای ضمیر أنا = ا+ریشه

أنا (ذهب = رفت) أنا أذهبُ (من میروم) ا+ذهب

دوم شخص مفرد = تو (أنتَ (مذکر)) فعل مضارع برای ضمیر أنتَ = تَ + ریشه
أنتَ (ذهب) أنتَ تَذْهَبُ (تو مذکر میروی) تَ + ذهب

مؤلف: فرناز روستائی

تو (أنتِ (مونث)) فعل مضارع برای ضمیر أنتِ = تَ + ریشه + یَنَ
أنتِ (ذهب) أنتِ تَذْهَبِينَ (تو مونث میروی) تَ + ذهب + یَنَ

سوم شخص مفرد = او (هُوَ (مذکر)) فعل مضارع برای ضمیر هُوَ = یَ + ریشه
هُوَ (ذهب) هُوَ يَذْهَبُ (او مذکر میرود) یَ + ذهب

او (هِيَ (مونث)) فعل مضارع برای ضمیر هِيَ = تَ + ریشه
هِيَ (ذهب) هِيَ تَذْهَبُ (او مونث میرود) تَ + ذهب

اول شخص جمع = ما (نَحْنُ) فعل مضارع برای ضمیر نَحْنُ = نَ + ریشه
نَحْنُ (ذهب) = نَحْنُ نَذْهَبُ (ما میرویم) نَ + ذهب

دوم شخص جمع = 1- شما دو نفر (أنْتما) فعل مضارع برای ضمیر أنْتما = تَ + ریشه + انِ
أَنْتَما (ذهب) = أَنْتَما تَذْهَبَانِ (شما دو نفر مذکر و مونث میروید) تَ + ذهب + انِ

2- شما چند نفر مذکر (أَنْتُمْ) فعل مضارع برای ضمیر أَنْتُمْ = تَ + ریشه + وْنَ
أَنْتُمْ (ذهب) = أَنْتُمْ تَذْهَبُونَ (شما چند نفر مذکر میروید) تَ + ذهب + وْنَ

مؤلف: فرناز روستائی

شما چند نفر مونث (أَنْتُنَّ)
فعل مضارع برای ضمیر أَنْتُنَّ = تَ+ریشه+نَ
أَنْتُنَّ (ذهب) = أَنْتُنَّ تَذْهَبِينَ (شما چند نفر مونث میروید) تَ+ذهب+نَ

سوم شخص جمع = 1- آن دو نفر (هُما) (مذکر)

فعل مضارع برای ضمیر هُما مذکر = یَ+ریشه+انِ

هُما (ذهب) = هُما يَذْهَبَانِ (آن دو نفر مذکر میروند) یَ+ذهب + انِ

آن دو نفر (هُما) (مونث)
فعل مضارع برای ضمیر هُما مونث = تَ+ریشه + انِ

هُما (ذهب) = هُما تَذْهَبَانِ (آن دو نفر مونث میروند) تَ+ذهب + انِ

2- آن چند نفر (هُم) (مذکر)
فعل مضارع برای ضمیر هُم = یَ+ریشه+ونَ

هُم (ذهب) = هُم يَذْهَبُونَ (آن چند نفر مذکر میروند) یَ+ذهب + ونَ

آن چند نفر (هُنَّ) (مونث)
فعل مضارع برای هُنَّ = یَ + ذهب + نَ

هُنَّ (ذهب) = هُنَّ يَذْهَبْنَ (آن چند نفر مونث میروند) یَ+ذهب + نَ

چند نکته مهم

*** همه ی افعال مضارع مخاطب با (ت) شروع میشوند . تَذْهَبُ – تَذْهَبَانِ – تَذْهَبُونَ و.....

*** همه ی ضمیر های غایب با ه دو چشم شروع میشوند مثل : هُوَ – هُما و...

*** همه ی ضمیر های مخاطب با اُن شروع میشوند مثل: أَنْتَ – أَنْتِ و...

*** اگر در جمله کلمات یا، اِيهَا ، اَيْتُّهَا باشد حتما به دنبال فعل و ضمیر مخاطب باشیم .

مؤلف: فرناز روستائی

شخص	ضمیر فارسی	ضمیر فارسی	فعل مضارع	معنی فارسی
اول شخص مفرد	من	انا	اَكْتُبُ	من مینویسم
دوم شخص مفرد (مذکر)	تو	انتَ	تَكْتُبُ	تو (مذکر می نویسی)
دوم شخص مفرد (مونث)	تو	انتِ	تَكْتُبِينَ	تو (مونث) مینویسی
سوم شخص مفرد (مذکر)	او	هُوَ	يَكْتُبُ	او (مذکر) مینویسد
سوم شخص مفرد (مونث)	او	هِيَ	تَكْتُبُ	او (مونث) مینویسد
اول شخص جمع	ما	نحن	نَكْتُبُ	ما می نویسیم
دوم شخص جمع (مذکر و مونث)	شما (دو نفر)	أنتما	تَكْتُبانِ	شما دو نفر (مذکر و مونث) مینویسید
دوم شخص جمع (مذکر)	شما (چند نفر)	أنتم	تَكْتُبونَ	شما چند مذکر مینویسید
دوم شخص جمع (مونث)	شما (چند نفر)	أنتنَّ	تَكْتُبْنَ	شما چند مونث مینویسید
سوم شخص جمع (مذکر)	آندو (مذکر)	هُما	يَكْتُبانِ	آندو (مذکر) مینویسند
سوم شخص جمع (مونث)	آندو (مونث)	هُما	تَكْتُبانِ	آندو (مونث) مینویسند
سوم شخص جمع (مذکر)	آنها (مذکر)	هُم	يَكْتُبونَ	آنها (مذکر) مینویسند
سوم شخص جمع (مونث)	آنها (مونث)	هُنَّ	يَكْتُبْنَ	آنها (مونث) مینویسند

منفی کردن فعل مضارع

منفی کردن فعل مضارع = لا + فعل مضارع

يَذْهَبُ = میرود ← لا + يَذْهَبُ = نمیرود

مؤلف : فرناز روستائی

فعل مستقبل (آینده)

فعل مستقبل = سَ یا سَوْفَ + فعل مضارع (که معنای خواه میدهد و زمان آینده را نشان میدهد) مثال
: يَذْهَبُ (میرود) سَيَذْهَبُ (خواهد رفت) سَوْفَ يَذْهَبُ (خواهد رفت)
علاوه بر کلمات پرسشی که در سال هفتم آموختیم دو کلمه پرسشی دیگر خواهیم آموخت :

اعداد ترتیبی بر وزن فاعِل می آیند و با / مُ / / مُیْن ترجمه میشوند :

الأوّل - (اول - اولین) / الثّانی - (دوم - دومین) / الثالث - (سوم - سومین)

الرّابع - (چهارم - چهارمین) - / الخامس (پنجم - پنجمین) / السّادس (ششم - ششمین)

السّابع - (هفتم - هفتمین) - / الثّامن (هشتم - هشتمین) / التّاسع (نهم - نهمین)

العاشر (دهم - دهمین) - الحادی عشر (یازدهم - یازدهمین) الثّانی عشر (دوازدهم -

دوازدهمین)

پایه نهم :

وزن و حروف اصلی :

همانطور که در بحث فعل با کلمه ریشه (سه حرف اصلی) آشنا شدیم ، باد بدانیم که بسیاری از اسم ها هم مانند فعل دارای ریشه یا سه حرف اصلی هستند .

مانند: محاکمه ، حاکم ، محکوم ، احکام ، حکومت ، حکیم ، حکمة ، که سه حرف اصلی (ح ک م) در همه این کلمات مشترک است که به آن ریشه میگوییم .

مؤلف: فرناز روستائی

*** بیشتر کلمات در عربی دارای « وزن » هستند و وزن دارند و به آهنگ کلمه وزن کلمه میگویند .

برای پیدا کردن وزن کلمات سه حرف (ف ع ل) را به جای ریشه یا سه حرف اصلی کلمه مورد نظر قرار میدهیم ، و بعد باقی حروف را که باقی می ماند (که به آن حروف راند میگوئیم) درست در سر جای خودش در کنار فعل قرار میدهیم و ، وزن کلمه بدست می آید .

به مثال ها توجه کنید :

عالم (ع ل م)

ف-عل

فاعل (وزن کلمه فاعل میباشد)

مَ ح ک و م ← مَ ف ع و ل

- ف ع - ل (ریشه کلمه)

م و (حروف زائد) در این کلمه ، حکم (ریشه) و (م و) حروف زائد هستند .

*** فن ترجمه

** هر کلمه ای که بر وزن فاعل است (کننده کار و انجا دهنده کار است) که معمولا با (نده - کننده)

ترجمه میشوند

مانند : شاهد (بر وزن فاعل و به معنای بیننده)

ناصر (بر وزن فاعل و به معنای یاری کننده)

** هر کلمه ای که بر وزن مفعول با شده (پذیرنده کار و کسی است که کار روی آن انجام شده است)

که معمولا با (شده) ترجمه میشود :

مانند: مشهود (بر وزن مفعول و به معنای مشاهده شده)

منصور (بر وزن مفعول و به معنای یاری شده)

مؤلف: فرناز روستائی

فعل امر :

فعل امر فعلی است که دستوری و امری است . و دستور به انجام کاری را میدهد

مانند: برو - بنشین - بیا - انجام بده - و

برای ساختن فعل امر در عربی فقط و فقط از فعل مضارع مخاطب کمک میگیریم . یعنی فعل امر در عربی از مضارع مخاطب ساخته می شود .

مراحل ساخت فعل امر :

1- فعل مضارع مخاطب (هر 6 شخص) را مینویسیم

2- تِ اول فعل را خط میزنیم

3- و آخر فعل را ساکن میکنیم (اگر حرکت ُ در آخر فعل باشد آن را ساکن، و اگر حرف "ن" "

در آخر فعل باشد آنرا حذف میکنیم (به جز جمع مونث) و نون جمع خانم ها را نمیتوانیم حذف کنیم

4- هر چیزی که بعد از حذف باقی ماند را مینویسیم و میبینیم که به علت ساکن بودن حرف اول کلمه ، آن کلمه قابل خواندن نیست

5- بنابراین یک الفی را به ابتدای فعل میگذاریم که قابل خواندن شود

6- و حرکت الف را از حرف وسط ریشه (یا همان حرف دوم ریشه) میگیریم

7- اگر حرکت وسط ریشه (َ یا ِ) باشد در هر صورت حرکت (ِ) را انتخاب میکنیم

8- ولی اگر حرکت وسط ریشه (ُ) باشد همان (ُ) را به الف میدهیم و فعل امر ما ساخته میشود .

مثال : ~~أنت تذهب~~ ← ~~ذهب~~ ← ~~أذهب~~ ← ~~إذهب~~
تو میروی برو

مؤلف: فرناز روستائی

أنتِ تَذْهَبِينَ	إِذْهَبِي	أنتِ تَذْهَبُ	إِذْهَبْ	(برو)
أنتُم تَذْهَبَانِ	إِذْهَبَا	أنتُم تَذْهَبُونَ	إِذْهَبُوا	(بروید)
أنتن تَذْهَبْنَ	إِذْهَبْنَ			(بروید)

فعل نهی :

فعل نهی فعلی است که دستوری و امری منفی است . یعنی امر منفی است مانند: نرو ، ننشین ، نیا ، نخور، و.....

فعل نهی مانند فعل امر از مضارع مخاطب ساخته میشود .

مراحل ساخت فعل نهی :

1- فعل مضارع مخاب (هر 6 شخص) را مینویسیم

2- "لا" به ابتدای فعل اضافه میکنیم

3- و آخر فعل را ساکن میکنیم (اگر حرکت ُ در آخر فعل باشد آن را ساکن، و اگر حرف "ن"

در آخر فعل باشد آنرا حذف میکنیم (به جز جمع مونث) و نون جمع خانم ها را نمیتوانیم حذف کنیم

4- و در نهایت هر چیزی که باقی مانده مینویسیم و فعل نهی ساخته میشود .

مثال :

أنتِ تَذْهَبُ ← لا تَذْهَبُ (نرو مذکر)

أَنْتُمْ تَذْهَبُونَ ← لَا تَذْهَبُوا (نروید مذكر)

مؤلف: فرناز روستائی

أَنْتِ تَذْهَبِينَ	لا تَذْهَبِي	(نرو)	أَنْتَ تَذْهَبُ	لا تَذْهَبْ	(نرو)
أَنْتُمْ تَذْهَبَانِ	لا تَذْهَبَا	(نروید)	أَنْتُمَا تَذْهَبَانِ	لا تَذْهَبَا	(نروید)
أَنْتُنَّ تَذْهَبْنَ	لا تَذْهَبْنَ	(نروید)	أَنْتُمْ تَذْهَبُونَ	لا تَذْهَبُوا	(نروید)

ترکیب وصفی (موصوف و صفت) ، ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) :

هنگامی که دو اسم به واسطه کسره به هم اضافه میشوند دو حالت پیش می آید :

1- موصوف و صفت

2- مضاف

1- موصوف و صفت :

زمانی که دو اسمی که به هم اضافه میشوند اسم دوم ویژگی اسم اول را برساند و دو اسم از نظر حرکت ، ال داشتن، تنوین داشتن ، ة داشتن (جنس مذكر بودن و مونث) از هم دیگر تبعیت کنند و تابع هم باشند

مثال المزرعة الكبيرة کبیر به معنای بزرگ است و ویژگی مزرعه را میرساند و این دو کلمه از نظر ال داشتن و جنس مونث بودن تابع یکدیگر هستند .

که در این ترکیب به کلمه اول موصوف و به کلمه دوم که ویژگی را میگوید صفت میگوییم .

المزرعة الكبيرة

موصوف صفت

دو روش دیگر تشخیص صفت =

الف) آخر کلمه اول را ساکن کنیم و است به انتهایش اضافه کنیم ، اگر معنا بدهد صفت است – مثل مزرعه بزرگ است (معنای میدهد پس صفت است)

ب) آخر کلمه اول را ساکن نکنیم و در انتهای آن تر اضافه کنیم ، اگر معنا دهد صفت است
مثل: مزرعه ی بزرگ تر (معنا میدهد پس ثقت است)

مؤلف: فرناز روستائی

مضاف و مضاف الیه:

زمانی که دو اسمی که به اضافه میشوند اسم دوم ویژگی را بیان نمیکند بلکه فقط به اسم اضافه شده است
که به اولین اسم مضاف و به اسم دوم مضاف الیه میگوییم .

**** مضاف ، ال و تنوین نمیگیرد**

**** هر دو اسم از هم تبعیت نمیکنند**

**** و حرکت مضاف الیه همیشه کسره (مجرور) است**

مثل: کتاب علی علی اسمی است که به کتاب اضافه شده است و ویژگی را نمیگوید و صرفاً به
کتاب اضافه شده است . پس ترکیب اضافی است .

کتاب علی

مضاف مضاف الیه

چند نکته مهم:

***** تمامی اسم های شهر ها و کشور مضاف الیه هستند**

***** تمامی رنگ ها صفت هستند .**

اگر در یک ترکیب مضاف الیه و صفت را باهم داشته باشیم در عربی ابتدا مضاف الیه می آید و بعد
صفت ، اما در فارسی ابتدا صفت می آید و بعد مضاف الیه

مثال: خاتمه‌ها ذهبی (انگشتر طلایی او)

خاتم +ها + ذهبی (انگشتر + او + طلایی)

1 مضاف الیه 2 صفت 1 مضاف الیه 2 صفت

مؤلف: فرناز روستائی

ماضی استمراری :

فعل ماضی استمراری در فارسی = می + فعل ماضی

مثال : می رفت / می دید / می خورد / میشنید و....

معادل ماضی استمراری در عربی = کان + فعل مضارع

مثال : کان یکتبون (می نوشتند)

کان یذهب (می رفت)

کان یأکلون (میخوردند)

ساعة :

ساعت در عربی از اعداد ترتیبی که در صفحات پیشتر اعداد ترتیبی را نام بردیم استفاده میشود

الف) برای نشان دادن ساعت کامل و تمام

ساعت مربوطه را با عدد ترتیبی +ة + تماماً

مثال : ساعت 4 کامل = الرابعة تماماً

ب) برای نشان دادن یک ربع گذشته از ساعت =

ساعت مربوطه را با عدد ترتیبی +ة + "و" + الربع

مثال : 4:15 = الرابعة و الربع

ج) برای نشان دادن نیم ساعت گذشته از ساعت

ساعت مربوطه را با عدد ترتیبی+ة+ "و" + النَّصْف

مثال : 4:30 = الرابعة و النصف

مؤلف: فرناز روستائی

(د) برای نشان دادن یک ربع مانده به ساعتی

ساعت مربوطه را با عدد ترتیبی+ة+ "و" + النَّصْف

4:45 = الرابعة إلا ربعاً

اعداد ترتیبی بر وزن فاعل می آیند :

الأول - (اول - اولین) / الثانی - (دوم - دومین) / الثالث - (سوم - سومین)

الرابع - (چهارم - چهارمین) - / الخامس (پنجم - پنجمین) / السادس (ششم - ششمین)

السابع - (هفتم - هفتمین) - / الثامن (هشتم - هشتمین) / التاسع (نهم - نهمین)

العاشر (دهم - دهمین) - الحادی عشر (یازدهم - یازدهمین) الثانی عشر (دوازدهم -

دوازدهمین)

وَمِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ